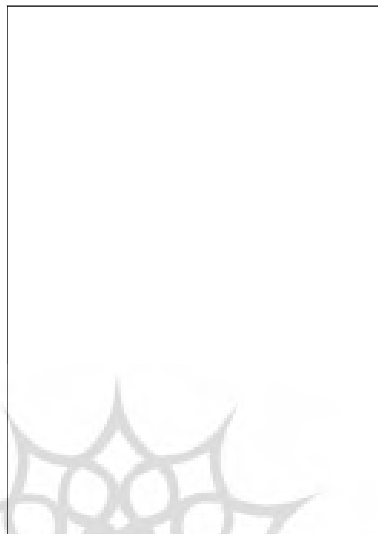


استاد لین سونگ در روستای مسلمان نشین و معروف شادین در استان یونن واقع در جنوب غربی چین تولد یافته است. وی استاد بازنشسته ادبیات کلاسیک دانشگاه مرکزی اقوام و ملل چین است. ادبیات، هنر، تاریخ، ادیان و اقوام و ملل از زمینه‌های اصلی تحقیق و تدریس وی به شمار می‌رود. او تاکنون آثار متعددی در این خصوص تألیف و منتشر کرده و بیش از دویست مقاله علمی نیز در کنفرانس‌ها و مجامع علمی داخلی و بین‌المللی ارائه داده است. اکثر این مقالات به زبان‌های عربی، انگلیسی و ژاپنی ترجمه شده و در مجلات گوناگون معتبر به چاپ رسیده است. در حال حاضر، وی به تألیف دائرة المعارف بزرگ قرآن کریم اشتغال دارد که امیدواریم به زودی چاپ و منتشر شود.

استاد لین سونگ در سال ۱۹۸۸ قرآن را تحت عنوان



گفت و گویی اختصاصی

با استاد یحیی صنوبر لین سونگ

مترجم قرآن کریم به زبان چینی

ترجمه مسجع و موزون قرآن کریم به زبان چینی ترجمه نمود. از این ترجمه تاکنون هشتاد هزار نسخه چاپ و منتشر شده است. این ترجمه در میان مسلمانان چین از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. چین با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و دویست و پنجاه میلیون نفر پرجمعیت‌ترین کشور جهان محسوب می‌شود، و طبعاً زبان چینی نیز بیشترین جمعیت گویندگان دنیا را به خود اختصاص داده است. در این میان، تعداد مسلمانان سرزمین چین بالغ بر هشتاد میلیون نفر برآورد می‌شود.

استاد **لین سونگ** در تاریخ ۷/۷/۹۸ برای شرکت در یک کنفرانس علمی به ایران آمد که بنا به دعوت مرکز ترجمه قرآن مجید، در دیداری پنج روزه از قم، میهمان این مرکز بود. وی در طی این مدت ضمن دیدار با مسئول مرکز، در مورد فعالیت‌ها و پژوهش‌های قرآنی مرکز ترجمه به گفت و گو و تبادل نظر پرداخت.

مرکز ترجمه قرآن برای استفاده از نظرات استاد پیرامون ترجمه قرآن مجید، گفت و گویی با ایشان ترتیب داد که متن آن جهت اطلاع خوانندگان گرامی در مجله درج می‌گردد. در ضمن از زحمات آقای رضا مرادزاده در ترجمه و تنظیم این گفت و گو تشکر به عمل می‌آید.

◀ لطفاً مختصری از شرح حال و تحصیلات خود را بیان کنید.

﴿ من متولد ۱۸ دسامبر ۱۹۳۰ هستم. از دوران کودکی تحت تأثیر محیط خانواده‌ای مسلمان بوده‌ام و در دهکده‌ای مسلمان نشین نیز پرورش یافته‌ام. در نوجوانی از محضر استاد **محمد ماجین (مکین)** و **آخوند هلال الدین ها ده چنگ**، زبان عربی و قرآن را آموختم. فرهنگ و تاریخ اسلامی را نیز در محضر **پروفسور جمال الدین باشویی** فراگرفتم. پدرم **یونس لین شینگ هوا** و عمویم **عثمان لین شینگ جی** از طلاب و دانشجویان دانشگاه معروف **الازهر مصر** در دهه ۳۰ میلادی بودند. من نیز مانند دیگر طلاب مسلمان نسل گذشته آماده عزیمت به **الازهر** برای فراگرفتن علوم اسلامی شدم، ولی اوضاع دگرگون شد، لذا به دنبال فراگیری ادبیات کلاسیک چین رفتم. بعدها به عنوان معلم در مدارس ابتدایی و دبیرستان و دانشگاه مشغول تدریس شدم. همچنین مدتی به عنوان نویسنده و خبرنگار در مجلات اسلامی چین مشغول فعالیت بودم. پس از مدتی نیز به عنوان استاد دانشگاه مرکزی اقوام و ملل و استاد راهنمای دانشجویان دوره فوق لیسانس و دکتری مشغول تدریس و پژوهش گردیدم. اصولاً رشته

تخصصی‌ام آموزش و پژوهش در خصوص ادبیات کلاسیک چین است. پس از دهه هشتاد میلادی، علاوه بر کار در رشته اصلی، به پژوهش پیرامون تاریخ و فرهنگ اقوام و ادیان به ویژه فرهنگ اسلامی پرداختم. نخست گزیده‌ای از سوره‌های قرآن کریم را به زبان چینی ترجمه کردم و این کار را ادامه دادم تا این که سرانجام توانستم تمام قرآن را به زبان چینی ترجمه نمایم. در این ترجمه از سبک نثر مسجع استفاده کردم تا بتوانم ویژگی‌ها و سیمای هنری متن اصلی قرآن را تا حدودی ترسیم کنم؛ از این رو عنوان ترجمه مسجع و موزون قرآن کریم را برای آن برگزیدم. کتاب گنجینه علوم و معارف قرآن کریم را بنا به

نمونه ترجمه استاد لین سونگ از قرآن به زبان چینی

درخواست یک ناشر تألیف نمودم. این کتاب دارای پانصد و هشتاد هزار واژه چینی است و سه بار تجدید چاپ شده است. در فصلنامه جهان عرب ستون ویژه‌ای گشودند که مقالات این جانب با عنوان «گفتاری پیرامون تاریخ ترجمه قرآن کریم به زبان چینی» در آن چاپ و منتشر شده است. در این سلسله مقالات به بحث و بررسی پیرامون شانزده ترجمه کامل قرآن به زبان‌های چینی، اویغوری و قزاقی پرداخته‌ام که در طی قرن جاری در سرزمین چین چاپ و منتشر شده‌اند. با همکاری تعدادی از دوستانم کتاب قصص قرآن را تألیف نمودم که به ترتیب در استان سین کیانگ و پکن برای نخستین بار چاپ شد و چاپ اصلاح شده آن نیز مجدداً منتشر گردید. بارها در کنفرانس‌ها و مجامع علمی داخلی و بین‌المللی شرکت کرده‌ام و در این محافل بیش از دو‌یست مقاله علمی ارائه نموده‌ام. علاوه بر این، در زمینه ادبیات کلاسیک چین دارای آثار متعددی همچون کتاب ترجمه و شرح کامل سخنان حکیم چینی منسیوس، تاریخ ادبیات سلسله سونگ و نیز پاره‌ای اشعار و دستخط‌های ادبی هستم.

فعالیت‌های اجتماعی من نیز نسبتاً زیاد است و در حال حاضر در سمت‌های زیر مشغول

خدمت هستیم: عضو انجمن مطالعات خاورمیانه چین، عضو دائم انجمن مطالعات قوم هوئی چین، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات و پژوهش های اسلامی فرهنگستان علوم اجتماعی چین، عضو انجمن مطالعات و تحقیقات ادبیات عربی چین، مشاور مهمان مجله «تحقیقات قوم هوئی»، پژوهشگر ویژه انجمن مطالعات و تحقیقات دریا سالار جنگ خه و عضو مدعو هیئت تحریریه مجله علمی «تحقیقات جنگ خه»، پژوهشگر انجمن مطالعات فرهنگ اسلامی شهر شیآن چین و... هر چند برخی از عناوین بالا افتخاری هستند، ولی در طی سالیان اخیر بیشتر همت و توان خود را صرف ترجمه قرآن و فعالیت های قرآن پژوهی کرده ام. البته این موضوعی است که در سرزمین چین پیرامون آن کمتر کار شده است.

◀ سطح آشنایی مسلمانان کنونی چین با مسائل اسلامی و قرآنی را چگونه ارزیابی می کنید؟

◀ احساس می کنم همه مسلمانان قومیت های گوناگون چین مردمانی مهربان، ساده و درستکار و دارای احساسات دینی و قومی عمیقی هستند. اما در زمینه شناخت عقلی، به دلیل محدودیت سطح سواد و دانش، روی هم رفته معلوماتی نسبتاً سطحی و ساده دارند؛ مثلاً چگونگی امری را می دانند، ولی علت چگونگی آن را نمی دانند. البته این مسئله با تنزل سطح آموزش های دینی مکتب خانه ای در طول سالیان اخیر و نیز فقدان تبلیغات مؤثر و قوی بی ارتباط نیست. هر چند اکنون تعداد زیادی از همکیشان و برادران دینی من می توانند قرآن را تلاوت کنند یا آیات و سوره هایی از آن را حفظ هستند، اما معنی و مفهوم آیات قرآن را خوب نمی فهمند. بدیهی است که در این زمینه باید تلاش و کوشش بیشتری به عمل آید و سطح فراگیری و سواد آموزی نیز ارتقا یابد. همه ما و از جمله خود من که مشغول ترجمه و پژوهش پیرامون قرآن هستیم باید پی در پی بیاموزیم، لذا نمی توانیم در یک سطح متوقف بمانیم و از پیشروی امتناع ورزیم.

◀ چطور شد که به فکر ترجمه قرآن کریم افتادید؟

◀ با وجود این که پیش از ترجمه من ترجمه هایی از قرآن چاپ و منتشر شده بود، اما بر این باورم که باید با در نظر گرفتن تمام جهات به جست و جو و بالا بردن سطح کیفی و کمی ترجمه ها پرداخت. احساس می کنم در ترجمه هایی که قبل از ترجمه من پدید آمده اند،

بعضی مترجمان از سبک مختصر، مفید، لطیف و مهذب زبان چینی کلاسیک استفاده کرده‌اند که همراه با دشواری و پیچیدگی در فهم است و مفاهیم ضمنی و غیر صریح را به انسان منتقل می‌کند. برخی از مترجمان از سبک فصیح و آسان زبان چینی معاصر استفاده کرده‌اند که برای خواننده سهولت و آسان فهمی را در پی دارد. بعضی نیز از زبان چینی متداول در مساجد و مکتب‌خانه‌ها که از قدیم مرسوم بوده، استفاده کرده‌اند که هموطنان بزرگسال من از آن استقبال می‌کنند و خواندن آن را دوست دارند و از شنیدن آن لذت می‌برند. البته چون در این ترجمه‌ها اسلوب هنری قرآن در زمینه آهنگ و قافیه مورد توجه قرار نگرفته بود، من مایل بودم از این زاویه مسئله را تجربه کنم. به یاد می‌آورم ده‌ها سال قبل که مشغول فراگیری دروس مقدماتی بودم، پس از شنیدن تلاوت و تفسیر آخوند هلال‌الدین‌ها ده چنگ، با شور و علاقه‌ای فراوان به این فکر افتادم تا ویژگی‌های هنری و آهنگ خوش و موزون قرآن را از راه ترجمه ارائه نمایم. البته در آن هنگام امیدوار بودم دیگران به چنین کاری اقدام کنند و خودم جرأت نمی‌کردم قلم به دست بگیرم. ده‌ها سال گذشت و دیدم هیچ کس سراغی از ترجمه مسجع و موزون نمی‌گیرد؛ ناگزیر با عجله و شتاب مشغول این کار شدم. تمام قوای ذهنی‌ام را صرف این مسئله کردم تا بتوانم آهنگ جذاب قرآن را با استفاده از زبان چینی که زبانی سرشار از آهنگ و وزن است در ترجمه آیات قرآن منعکس کنم و علاقه و اشتیاق خوانندگان را برانگیزم و آنان را تا حدودی با ویژگی‌های آهنگ متن اصلی قرآن آشنا سازم.

◀ هنگام ترجمه قرآن به زبان چینی چه اندیشه و احساسی داشتید و از چه منابعی استفاده کرده‌اید؟

◀ ترجمه در حقیقت مرحله‌ای تکراری از فراگیری و درک عمیق از قرآن کریم است. من در گفتار پایانی خودم در اختتام ترجمه چنین نوشته‌ام:

«در جریان کار و تجربه غالباً احساس ناخوشایند سردرگمی و به دور خود تارتیدن را داشتم. حس می‌کردم واژگان دشوار و مفاهیم بی‌پایان هستند و بیشتر نگران آن بودم که مبادا رعایت وزن و سجع به معانی و مفاهیم آسیب برساند. البته گونه‌ای شادی و نشاط درونی که موجب رضایت و آمادگی و ورزیدگی‌ام می‌شد نیز در دل داشتم. در نتیجه غالباً در وضعیتی ناشی از تردید و تناقض به سر می‌بردم. به هنگام ترجمه گاهی ساعی و کوشا و گاهی خسته و بی‌حال می‌شدم، و حتی چندین بار کار ترجمه متوقف شد. دورانی از غم و شادی و موفقیت



نمونه دستخط استاد لین سونگ
در بازدید از مرکز ترجمه قرآن مجید

و ناکامی را پشت سر گذاشتم. بر سستی و رخوت غلبه کردم و روحیه خود را با دلگرمی و توکل تقویت نمودم و سرانجام تدوین متن پیش‌نویس ترجمه به پایان رسید. پس از چندین بار ویرایش، کار ترجمه به منظور غلبه بر تردیدها و تعابیر مختلف، برای مدتی نسبتاً طولانی مسکوت گذاشته شد، زیرا چیره شدن بر این شرایط آسان نبود. البته در اسناد و مدارک لازم جست و جو و تفحص می‌کردم و از اساتید و دوستان تقاضای ارشاد و راهنمایی می‌نمودم و به ترجمه‌ها و تفاسیر دیگران نیز رجوع می‌کردم و سرانجام با در نظر گرفتن جمیع شرایط و با صلاحدید خودم اقدام به گزینش مطلب

می‌کردم. گاه احساس می‌کردم که هرگز درخشندگی خیره‌کننده و شگفت‌آور متن اصلی را نمی‌توان با هیچ تعبیری ترسیم نمود».

این بود اندیشه و احساس من در مورد ترجمه قرآن. من عمیقاً بر این باورم که تمام ترجمه‌های معروف قرآن، چه ترجمه‌های چینی یا ترجمه‌های دیگر، تنها بیانگر سطح درک و فهم مترجمان و میزان توانایی آنان بر انتقال مفاهیم قرآن کریم است و هرگز قابل قیاس با متن عربی قرآن نیست. منابع و مآخذی که در مدت تقریباً هشت سال به آنها مراجعه کرده‌ام فراوانند؛ هر چند به دلیل محدود بودن میزان کتب اسلامی موجود در کتابخانه‌های کشورم و نیز به دلیل عدم وجود ارتباط با فرهنگ سایر ملل به ویژه فرهنگ ادیان و مذاهب، تنها از چند جلد تفسیر محدود و رایج استفاده کرده‌ام که می‌توان از تفاسیری همچون جلالین، روح البیان، بیضاوی و دیگر تفاسیر قرآن نام برد. البته بعدها نیز تفسیر المنار را از آخوند مآسونگ تینگ امانت گرفتم. علاوه بر این، به تعداد زیادی از ترجمه‌های انگلیسی، فرانسه و ژاپنی مراجعه کردم. همچنین تمامی ترجمه‌های گزیده و کامل و تفاسیر موجود به زبان چینی را مطالعه

نمودم و به ده‌ها جلد دائرة المعارف و کتاب مرجع نیز مراجعه کردم. قصد داشتم به ترجمه‌ام مانند برخی از ترجمه‌های دیگر ضمیمه‌ای شامل فهرست منابع مورد استفاده را بیفزایم، اما چون تعداد کتاب‌ها زیاد بود و در واقع تنها به هنگام ضرورت به برخی از آنها مراجعه کرده بودم و علاوه بر این سالیان درازی از آن هنگام گذشته بود، لذا کتاب‌های مورد استفاده را دقیقاً به خاطر نداشتم و پی‌گیری و جست و جوی دوباره آنها هم گویا ضرورتی نداشت تا وقت زیادی برای آن صرف کنم. مجدداً می‌گویم که تنها برای جلوگیری از بروز هرگونه سوء تفاهمی نام یک یک کتاب‌های مورد استفاده را اعلام نکرده‌ام. به طور حدس می‌توانم بگویم که منابع مورد استفاده، کمتر از هزار جلد نبوده است. عمیقاً احساس می‌کنم تمام مواردی که در قرآن از قبیل حروف، کلمات و یا جملات نیاز به تفحص و بررسی دقیق دارند، باید با جدیت تمام و بدون توجه به زحمات و مشکلات آن، با مراجعه به منابع مربوطه پی‌گیری شود تا بتوان پس از طی این روند تصمیم صحیح را اتخاذ کرد.

◀ آیا از ترجمه‌های دیگر قرآن به زبان چینی اطلاع دارید؟ اگر پاسخ مثبت است لطفاً آنها را معرفی کنید و بفرمایید ترجمه رایج در میان مسلمانان چین کدام ترجمه است؟

◀ آن گونه که من اطلاع دارم، در قرن بیستم یعنی از سال ۱۹۲۷ تا ۱۹۹۶، تعداد ۱۴ ترجمه به زبان چینی از قرآن کریم توسط دوازده مترجم مسلمان و غیر مسلمان چینی ارائه شده که همه چاپ و منتشر شده‌اند. علاوه بر این، دو ترجمه نیز به زبان اقلیت‌های قومی مسلمان چین وجود دارد که شامل ترجمه اویغوری و ترجمه قزاقی قرآن کریم است. با احتساب این دو ترجمه، در مجموع شانزده ترجمه از قرآن در سرزمین چین موجود است. البته قضاوت درباره محتوای این ترجمه‌ها و نقاط قوت و ضعف آنها در این فرصت کوتاه مقدور نیست. به تازگی مطلع شده‌ام که آقای رضا مرادزاده سلسله مقالاتی علمی و ارزشمند در مورد بررسی سیر تاریخی ترجمه‌های چینی قرآن کریم نوشته‌اند که امیدوارم چاپ این سلسله مقالات در نشریه تخصصی شما بتواند برادران مسلمان ایرانی را با روند فعالیت‌های مربوط به ترجمه قرآن و قرآن پژوهی در سرزمین چین بیشتر آشنا سازد. پیرامون این سؤال که ترجمه رایج در میان مسلمانان و خوانندگان چینی کدام ترجمه است باید این موضوع را به قضاوت خوانندگان واگذار کنیم. برای نمونه، عده‌ای از مسلمانان پرهیزگار ترجمه آخوند وانگ جینگ جای را دوست دارند و برخی حتی به کپی و افسست از روی آن اقدام می‌کنند.

بیشتر محققان و پژوهشگران و از جمله مسلمانان معتقدند که ترجمه استاد محمد ماجین (مکین) از جایگاهی ممتاز در میان سایر ترجمه‌ها برخوردار است، لذا در مقالات و نوشته‌هایشان بیشتر به این ترجمه استناد می‌کنند. مجتمع چاپ و نشر قرآن کریم ملک فهد واقع در شهر مدینه عربستان نیز در سال ۱۴۰۷ ق ترجمه استاد محمد مکین را همراه با متن عربی قرآن چاپ و آن را در میان حجاج و مسلمانان چینی توزیع کرده است. جوانان روشنفکر به ویژه خوانندگانی که دارای دانش و معلومات کمتری پیرامون زبان عربی و معارف اسلامی هستند به ترجمه من علاقه دارند. آنان معتقدند که ویژگی‌های خواندنی این ترجمه قوی و فهم آن برای همه آسان است. بیشتر خوانندگانی هم که می‌خواهند برای استفاده از قرآن به منابع مورد نیاز مراجعه کنند، فهرست راهنمای دقیقی را که ضمیمه صفحات پایانی ترجمه قرآن استاد شمس‌الدین تونگ دائو جانگ است می‌پسندند. برخی از خوانندگان از قبیل افرادی که زبان اصلی قرآن را می‌فهمند و نیز برخی از آخوندهایی که با مقدمات زبان عربی آشنایی دارند بر این باورند که ترجمه چینی معانی القرآن الکریم اثر آخوند صالح ینگ جونگ مینگ از لحاظ سبک ترجمه مختصر و مفید است و مطابقت بیشتری با اصل قرآن دارد. سالخوردگانی که با زبان مکتب‌خانه‌ای آشنا هستند نیز معتقدند که خواندن ترجمه قرآن آخوند موسی مآجنگ وو که به سبک مکتب‌خانه‌ای ترجمه شده مانند شنیدن تلاوت زنده قرآن از زبان یک آخوند لذت بخش است. البته بیشتر خوانندگان معتقدند که دو ترجمه اخیر برای خواندن و فهمیدن بسیار مشکل هستند. بنابراین، به دلیل تفاوت سطح معلومات و علاقه‌ها و سلیقه‌ها به طور کلی تعیین این که واقعاً کدام ترجمه مورد پسند و اقبال مسلمانان چین است امری دشوار به نظر می‌رسد.

◀ آیا شما قرآن را از زبان عربی ترجمه کرده‌اید یا از زبان‌های دیگر؟

﴿ من قرآن را مستقیماً از زبان عربی به چینی ترجمه کرده‌ام. در دوران کودکی در یک دهکده معروف مسلمان نشین که حال و هوای اسلامی خاصی دارد زندگی می‌کردم. در دوران جنگ علیه اشغالگران ژاپنی، استاد محمد ماجین (متولد شادیشن) که به تازگی از دانشگاه الازهر مصر به چین بازگشته بود، در این دهکده به پرورش عده‌ای از افراد مستعد و علاقه‌مند به فراگیری زبان عربی مشغول گردید و به این کار ادامه داد تا این که توانست گروهی از علاقه‌مندان را برای ادامه تحصیل به مصر اعزام کند. آخوند هلال‌الدین ها ده چنگ

نیز مناطق تحت اشغال ژاپنی‌ها، یعنی شهر **شانگهای** را ترک کرد و پس از گشت و گذار در جاهای مختلف، سرانجام به دهکده **شادین** وارد شد. وی با شاگردش **استاد محمد ماجین** مشغول ترجمه قرآن به سبک زبان چینی معاصر شدند. در آن هنگام، من و چند تن دیگر از جوانان مسلمان در محضر **آخوند هلال الدین ها ده چنگ** و **استاد محمد ماجین** مشغول فراگیری زبان عربی بودیم. در این دوران بود که روح و قلب کودکانه‌ام تحت تأثیر عمیق قرآن کریم قرار گرفت. متأسفانه، اوضاع زمانه دستخوش دگرگونی و تحولات زیادی گردید. چون در آن زمان دولت چین نو با هیچ کشور عربی روابط دیپلماتیک نداشت، بیشتر فارغ التحصیلان رشته زبان عربی دانشکده زبان و ادبیات خاوری دانشگاه پکن این رشته را رها کردند و به دنبال رشته‌ای جدید رفتند. من نیز با راهنمایی **استاد محمد ماجین** و **استاد جمال الدین باشویی** ناگزیر شدم رشته تحصیلی خود را تغییر دهم. ناچار مشغول فراگیری رشته ادبیات کلاسیک چین شدم. در طول چند ده سال اخیر، عمدتاً مشغول تدریس و تحقیق در زمینه ادبیات کلاسیک چین بوده‌ام و آثاری نیز در این زمینه دارم. اما به عنوان یک شخص مسلمان همواره با قرآن کریم و فرهنگ اسلامی انس و دلبستگی عمیقی داشته‌ام. با وجود این که به تدریج و سال به سال از زبان عربی فاصله می‌گرفتم و با آن ناآشنا تر می‌شدم و همچنین فاقد محیط زبانی برای به کار بردن آن بودم، اما هرگز از تلاوت قرآن کریم و تعمق در آیات آن غفلت نورزیدم. هر چند در گذشته تعداد نسبتاً زیادی از ترجمه‌های چینی قرآن چاپ و منتشر شده بود، اما من احساس می‌کردم در میان این ترجمه‌ها لازم است ترجمه‌ای وجود داشته باشد که منعکس کننده اسلوب هنری و آهنگ موزون قرآن باشد، و آرزو داشتم که بتوانم از این زاویه خصوصیات هنری قرآن را منعکس نمایم، لذا از همان دوران نوجوانی امید ارائه چنین ترجمه‌ای را در دل داشتم. مسائل و قضایای گوناگون چندین سال این کار را به تأخیر انداخت، تا این که وضعیت علمی کشورم به تدریج به رونق و شکوفایی روی نهاد. من هم توانایی زیادی برای انجام این کار در وجود خود احساس می‌کردم. در آغاز به ترجمه گزیده‌ای از سوره‌های قرآن با سبک نثر مسجع اقدام نمودم. به سرعت هزاران نامه از خوانندگان مسلمان سراسر کشور به دستم رسید که از این کار استقبال کردند و مرا مورد تشویق قرار دادند. آنان با اصرار فراوان از من می‌خواستند که تمام قرآن را به همین سبک ترجمه کنم. در نتیجه توانستم در ظرف مدت هشت سال ترجمه موزون و مسجع قرآن به زبان چینی را به

پایان برسانم.

◀ آیا در ترجمه قرآن کسی با شما همکاری داشته یا به تنهایی آن را انجام داده‌اید؟

◀ اگر منظور شما از لحاظ نوشتن است، خیر؛ این کار را به تنهایی انجام داده‌ام. اما اگر منظور شما این است که از نظرات و دیدگاه‌های دیگران استفاده نموده‌ام، باید بگویم در این زمینه از نظرات عدّه زیادی از بزرگان نسل‌های گذشته یا نسل همدوره خودم و حتی نسل جوانِ خوش استعداد استفاده کرده‌ام. به عنوان نمونه می‌توان گفت افراد بسیاری در زمینه گردآوری منابع، بررسی واژه‌ها و اصطلاحات متن ترجمه، مراجعه به ترجمه‌های قرآن به زبان‌های دیگر و نظایر این امور به من کمک کرده‌اند. پدرم یونس لین شینگ هوا در دهه ۳۰ قرن حاضر میلادی در مصر مشغول تحصیل و دارای درک و فهم عمیقی از قرآن کریم بود. وی هر چند به علت کهنسالی قدرت نداشت تمام متن ترجمه را بررسی کند، اما هرگاه به جمله‌ای مبهم بر می‌خوردم غالباً از او راهنمایی می‌خواستم و او هم با موشکافی و نکته‌سنجی خاصی مرا راهنمایی می‌کرد.

◀ به نظر شما یک ترجمه خوب که بتواند مورد استفاده قرار گیرد چگونه ترجمه‌ای است؟

◀ من معتقدم که مترجم باید از چهار ویژگی برخوردار باشد:

- ۱- عقیده‌ای خالص و انس و دل‌بستگی عمیقی با قرآن کریم داشته باشد.
- ۲- به زبان عربی مسلط باشد و بتواند قرآن را از زبان عربی به زبان مقصد ترجمه کند، زیرا در برگردان غیر مستقیم، مطابقت با اصل از بین می‌رود.
- ۳- بر مفاهیم و معانی واژه‌های قرآن کریم تسلط داشته باشد و بتواند در مواردی که مفسران اختلاف نظر دارند بهترین قول را تشخیص بدهد و آن را در ترجمه انتخاب کند.
- ۴- آثار و نوشته‌هایی به زبان مادری خود داشته باشد و از توانایی آشکاری در زمینه نگارش به آن زبان برخوردار باشد.

ترجمه فارسی متن یادداشت
استاد الحاج یحیی صنوبر لینی سوئنگ
در دفتر یادبود مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی



بنا به دعوت مرکز ترجمه قرآن مجید و به منظور بازدید از این مؤسسه، به شهر معروف فرهنگی اسلامی قم سفر کردم و مورد پذیرایی گرم و صمیمانه و نیز عنایت و توجه خاص جناب آقای نقدی رئیس مرکز ترجمه قرآن مجید قرار گرفتم. در ظرف این چند روز کوتاه، احساس کردم که در خانه خودم هستم و نیز صمیمیت و حرارت محبت را لمس نمودم.

پس از چند دور گفت و گو و مذاکره با جناب آقای نقدی، به شدت تحت تأثیر تشویق و الهام پذیری ایشان قرار گرفتم. در بازدید از برخی کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی و فرهنگی عمیقاً به این نکته پی بردم که دانشمندان و علمای مسلمان ایرانی اهمیت فراوانی برای مطالعات، پژوهش‌ها و ترجمه قرآن کریم قائل‌اند و در این راه فداکاری‌ها و خدمات زیادی انجام داده‌اند. خصوصاً از تازه‌ترین دستاوردهای علوم و فنون حداکثر استفاده را به عمل آورده و در عصر ارتباطات و اطلاعات، برای تبلیغ و اشاعه فرهنگ اسلامی از هیچ کوششی مضایقه نکرده‌اند. این جانب عمیقاً این امور را تحسین و قدردانی می‌نمایم.

در طی این دیدار و مسافرت، دستاوردهای زیادی کسب نمودم و در محافل علمی و پژوهشی با بسیاری از محققان آشنا شدم، که این آشنایی قطعاً نتایج خوبی به دنبال خواهد داشت. این سفر به راستی ارزشمند بود و من با دست پر به کشورم باز می‌گردم. مایلم دستاوردها و نتایج این سفر را به وطنم ببرم و در محیطی که فرهنگ اسلامی آن نسبتاً ضعیف است، با جدیت، اندک‌توان باقی‌مانده سنین سالخوردگی را صرف مطالعات و پژوهش‌های قرآنی نمایم.

با تشکر

الحاج یحیی صنوبر لینی سوئنگ
 ۱۲ اکتبر ۱۹۹۹ میلادی □ ۲۰ مهر ماه ۱۳۷۸ شمسی